





دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی

عنوان

بررسی اثربخشی آموزش خلاقیت مادر-کودک بر خلاقیت کودکان و خودکارآمدی
والدگری مادران کودکان پیش‌دبستانی

استاد راهنما

دکتر سید محسن اصغری نکاح

استاد مشاور

دکتر حسین کارشکی

پژوهشگر

راضیه جمالی نژاد

پاییز ۱۳۹۱

تقدیم به ...

" امتداد مسیر همه‌ی نگاه‌های منتظر " ...

و تقدیم به ...

هم‌نشینان ابدی مادر خوبی‌ها ... "دو شهید گمنام دانشگاه" ...

چه خوب شد آمدی برادر! غروب آدینه است و توبه معراج رسیده ای و قطار انتظار افتاده

روی ریل ظهور، ما منتظریم تا در واپسین ایستگاه تاریخ، نور را مضاعف کنیم و ببینیم

بیعت ماه را با خورشید ...

چه خوب شد آمدی برادر ...

تقدیر و تشکر

بار خدایا

تو را به خاطر تمامی ثانیه‌های عمرم سپاس...

"حمداً کما انت اهلہ".....

سپاسی ویژه از آقای دکتر سید محسن اصغری نکاح استاد راهنمای محترم و آقای دکتر حسین کارشکی استاد مشاور محترم بابت زحمات، مساعدت ها و راهنمایی های صبورانه و دلسوزانه ای که داشتند....

همینطور ممنونم از اساتید داور محترم آقای دکتر غفاری و آقای دکتر کیمیایی که زحمت مطالعه و ارزیابی این پایان نامه را متحمل شدند.

و در آخر تشکر می‌کنم از خانواده بزرگوارم بالاخص "مادر همیشه مهربان" ... که همراهی کردند و یاریگرم در فزونی طلب و تلاش در این راه بودند...

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش برنامه ی خلاقیت مادر- کودک بر خلاقیت کودک و خودکارآمدی مادر در کودکان پیش دبستانی انجام شد. آزمودنی‌ها شامل ۳۰ کودک دختر پیش دبستانی شهرستان مشهد با میانگین سنی ۵ سال و ۲ ماه بودند که به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جای گرفتند. یک برنامه آموزش خلاقیت مادر-کودک به مدت ۱۰ جلسه ی ۹۰ دقیقه ای مبتنی بر شناساندن سازه ی خلاقیت و موانع آن در خانواده و آموزش تکنیک های خلاقیت به مادر و اعمال آن ها بر کودک با روش های بازی و قصه برای گروه آزمایش ارائه شد. جهت سنجش خلاقیت کودکان از آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت TCAM تورنس و برای سنجش خودکارآمدی مادر از مقیاس خودکارآمدی والدگری PSAM که توسط دومکا، استورزینگر، جکسون و روسا ساخته شده استفاده شد. داده های به دست آمده با روش تحلیل کوواریانس نشان دهنده تفاوت معنادار بین میانگین نمرات خلاقیت در گروه آزمایش و گواه بود ($p < 0/01$) همینطور تفاوت بین خودکارآمدی والدگری در گروه آزمایش و گواه نیز معنادار بود ($p < 0/01$). نتایج این پژوهش نشان می دهد که آموزش خلاقیت مادر-کودک سازه خلاقیت در کودک و خودکارآمدی در مادر را بهبود می بخشد. بنابراین استفاده از این برنامه آموزشی جهت ارتقای مهارت شناختی خلاقیت در محیط خانواده و پیش دبستانی مثمر خواهد بود.

واژگان کلیدی: خلاقیت، آموزش مادر-کودک، خودکارآمدی والدگری، پیش دبستانی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : مقدمه پژوهش

- ۱-۱- بطن مسأله..... ۲
- ۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۷
- ۱-۳- اهداف پژوهش..... ۸
- ۱-۴- فرضیه‌های پژوهش..... ۸
- ۱-۵- تعاریف مفهومی..... ۹
- ۱-۶- تعاریف عملی..... ۹

فصل دوم: پیشینه پژوهش

- ۱-۲- ۱- خلاقیت..... ۱۱
- ۱-۲- ۲- خلاقیت از منظر دیدگاه‌های مختلف..... ۱۲
- ۱-۲- ۲- ۱- خلاقیت از دیدگاه روانکاوی..... ۱۲
- ۱-۲- ۲- ۲- خلاقیت از دیدگاه تداعی‌گرایی و رفتارگرایی..... ۱۳
- ۱-۲- ۲- ۳- خلاقیت از دیدگاه روانسنجی..... ۱۴
- ۱-۲- ۲- ۴- خلاقیت از دیدگاه عصب‌شناختی..... ۱۵
- ۱-۲- ۲- ۵- خلاقیت از دیدگاه گشتالت..... ۱۷
- ۱-۲- ۲- ۶- خلاقیت از دیدگاه انسان‌گرایی..... ۱۸
- ۱-۲- ۲- ۷- خلاقیت از دیدگاه شناختی- اجتماعی..... ۱۸
- ۱-۲- ۳- ابعاد خلاقیت..... ۱۹
- ۱-۲- ۴- الگوهای خلاقیت..... ۲۰
- ۱-۲- ۴- ۱- الگوی والاس..... ۲۰
- ۱-۲- ۴- ۲- الگوی استین..... ۲۲

۲۳ ۳-۴-۲ اسبورن و پارنر
۲۳ ۴-۴-۲ الگوی آمایل
۲۴ ۵-۴-۲ الگوی الکساندر-پارسونز و نش
۲۵ ۵-۲ عوامل موثر بر خلاقیت
۲۶ ۶-۲ نقش خانواده در خلاقیت
۲۸ ۷-۲ آموزش خلاقیت
۲۹ ۸-۲ رشد خلاقیت در کودکان
۳۲ ۹-۲ خودکارآمدی
۳۳ ۱۰-۲ خودکارآمدی والدگری
۳۴ ۱۱-۲ نقش خودکارآمدی والدگری
۳۵ ۱۲-۲ عوامل موثر بر خودکارآمدی والدگری
۳۵ ۱-۱۲-۲ خصوصیات مادر
۳۸ ۲-۱۲-۲ خصوصیات کودک
۴۰ ۱۳-۲ نقش خودکارآمدی والدگری در رفتار کودک
۴۳ ۱۴-۲ خودکارآمدی والدگری و رابطه مادر و کودک
۴۳ ۱۵-۲ پژوهش‌های انجام شده در رابطه با آموزش خلاقیت مادر-کودک
۴۷ ۱۶-۲ پژوهش‌های انجام شده در رابطه با آموزش خلاقیت مادر-کودک و خودکارآمدی مادر
۴۸ ۱۷-۲ نتیجه‌گیری

فصل سوم: روش تحقیق

۴۹ ۱-۳ روش پژوهش
۴۹ ۲-۳ جامعه آماری پژوهش
۴۹ ۳-۳ روش نمونه‌گیری و حجم نمونه
۵۲ ۴-۳ ابزار پژوهش و روایی و پایایی ابزارها
۵۲ ۱-۴-۳ آزمون خلاقیت در عمل و حرکت

- ۳-۴-۲- مقیاس خودکارآمدی والدگری..... ۵۳
- ۳-۵- روش اجرا..... ۵۳
- ۳-۶- شیوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها..... ۵۵

فصل چهارم: یافته‌ها

- ۴-۱- یافته‌های توصیفی پژوهش..... ۵۹
- ۴-۲- یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش..... ۵۹
- ۴-۲-۱- فرضیه اول..... ۵۹
- ۴-۲-۲- فرضیه دوم..... ۶۰
- ۴-۳- خلاصه یافته‌ها..... ۶۰

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- ۵-۱- تبیین یافته‌های پژوهش..... ۶۳
- ۵-۲- محدودیت‌ها..... ۷۳
- ۵-۳- پیشنهادهای پژوهشی..... ۷۴
- ۵-۴- پیشنهادهای کاربردی..... ۷۵

منابع

- منابع فارسی..... ۷۷
- منابع انگلیسی..... ۸۰

ضمایم

- مقیاس خودکارآمدی والدگری..... ۸۶
- دستورالعمل ارزیابی آزمون خلاقیت در عمل و حرکت..... ۸۷
- برنامه‌ی آموزش خلاقیت مادر-کودک..... ۸۹
- چکیده انگلیسی..... ۹۱

فهرست جداول و نمودارها

صفحه	عنوان جدول
۵۰.....	جدول (۱-۳) سن مادر و کودک در دو گروه آزمایش و گواه.....
۵۱.....	جدول (۲-۳) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان.....
۵۷.....	جدول (۱-۴) شاخص‌های آمار توصیفی متغیر خلاقیت در پیش‌آزمون و پس‌آزمون.....
۵۸.....	جدول (۲-۴) شاخص‌های آمار توصیفی متغیر خودکارآمدی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون.....
۵۹.....	جدول (۳-۴) آزمون همگنی واریانس‌ها.....
۶۰.....	جدول (۴-۴) آزمون تحلیل کوواریانس نمرات پس‌آزمون خلاقیت پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون.....
۶۰.....	جدول (۵-۴) آزمون همگنی واریانس‌ها.....
۶۱.....	جدول (۶-۴) آزمون تحلیل کوواریانس نمرات پس‌آزمون خودکارآمدی پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون.....
۵۵.....	نمودار (۱-۴) مقایسه میانگین متغیر خلاقیت در گروه‌های آزمایش و گواه.....
۵۶.....	نمودار (۲-۴) مقایسه میانگین متغیر خودکارآمدی والدگری در گروه‌های آزمایش و گواه.....

فصل اول

مقدمه پژوهش

۱-۱- بیان مسأله

امروزه نقش خلاقیت^۱ در جهان معاصر بر کسی پوشیده نیست. گستره‌ی عظیم تغییرات در فناوری، فرهنگ و همچنین پیچیدگی رو به رشد درک از واقعیت در اطراف، نشان دهنده ی آن است که برای داشتن عملکرد موثر فعالیت‌های گذشته کافی نیست. جامعه برای پیشرفت و توسعه به انسان‌های خلاق نیاز دارد تا بتوانند چهره‌ی جامعه را تغییر دهند (گلاوینو^۲، ۲۰۱۱).

استرنبرگ^۳ (۲۰۰۱) خلاقیت را، توانایی آفرینش اندیشه‌های نو در سطح عالی می‌داند که آمیزه‌ای از توان، نوآوری، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر باورهای موجود است و به فرد این توانایی را می‌دهد که همراه با اندیشه‌ی منطقی و خردمندانه، به یافته‌های دیگری بیندیشد (به نقل از شریفی و داوری، ۱۳۸۸).

روکو^۴ (۲۰۰۴) خلاقیت را فرایند ارتباط و ترکیب عناصر شناخته شده ی قبلی در یک جامعیت جدید می‌داند (دولاما^۵ و همکاران، ۲۰۱۰).

خلاقیت را از نظر حیطه‌ی مورد بررسی در دو حوزه‌ی شناختی و هیجانی بررسی می‌کنند. تفکر خلاق یا خلاقیت شناختی^۶ بر اساس دیدگاه گیلفورد (۱۹۶۷) شامل سه بعد سیالی^۷، انعطاف‌پذیری^۸ و نوآوری^۹ است که در ادامه تورنس در پژوهش‌های خود مولفه‌ی بسط^{۱۰} را هم به آن‌ها افزود (امیری و اسعدی، ۱۳۸۶).

خلاقیت هیجانی^{۱۱} به بررسی خلاقیت در حوزه‌ی هیجانات می‌پردازد. آوریل و نانلی^{۱۲} (۱۹۹۲) ابعاد و عناصر این خلاقیت را مطرح کردند. خلاقیت هیجانی آمیزه‌ای از ابراز صادقانه و نوآوارانه و اثربخش خویش است و عبارت است از ابراز خود یا صداقت به روش جدید یا بداعت که بر اساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط میان فردی او افزایش یابد و یا اثر بخش باشد (جوکار والبرزی، ۱۳۸۹).

¹-Creativity

²-Glaveanu

³-Sternberg

⁴-Roco

⁵-Dulama

⁶-Cognitive creativity

⁷-Fluency

⁸-Flexibility

⁹-Originality

¹⁰-Elaboration

¹¹-Emotional creativity

¹²-Avril & Nanli

بر اساس شواهد به دست آمده عوامل و زمینه های مختلفی در توسعه ی خلاقیت دخیلند مانند: انگیزش و بافت محیطی (بیوتی^۱، ۲۰۰۷)، خانواده (اریک^۲، ۲۰۰۵؛ روان^۳، ۲۰۰۵؛ به نقل از میرکمالی، ۱۳۸۸)، هوش (فارنهام^۴ و همکاران، ۲۰۰۸، پرکل^۵ و همکاران ۲۰۰۵، به نقل از نوفرستی، ۱۳۸۸)، سبک شناختی (هریس^۶، ۲۰۰۴) و شخصیت (فارنهام و باچتیار^۷، ۲۰۰۸) متأثر است.

اندیشمندان توضیحاتی روشنگرانه در تبیین هر کدام از این عوامل ارائه داده‌اند. یکی از مهم‌ترین آن نظریه‌ها تحت عنوان "روانشناسی اجتماعی خلاقیت" است که توسط آمابیل^۸ (۱۹۹۰) مطرح شد.

آمابیل معتقد است خلاقیت پدیده ای اجتماعی است و از نیازها، مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی بر می خیزد (پیرخائفی، ۱۳۸۸). وی در الگویی ترکیبی، تبیین می‌کند که خلاقیت به تعاملات سه اصل اساسی بستگی دارد: مهارت‌های مرتبط به زمینه یا مهارت‌های شناختی، مهارت‌های مرتبط به خلاقیت یا مهارت‌های خلاقانه و انگیزش و بر این باور است که تعامل عوامل محیطی و اجتماعی با توانایی های شناختی و شخصیتی عامل اساسی در بروز اف کار خلاقانه می‌باشد. از نظر آمابیل، انگیزه مهم‌ترین بعد از خلاقیت است و تحت تأثیر عوامل محیطی و بالاحص خانواده شکل می‌گیرد که نقش مهمی در شکل‌دهی خلاقیت در کودک دارد (لطیفیان، ۱۳۸۷).

آنچه برای آمابیل و دیگر پژوهشگران شناختی - اجتماعی حائز اهمیت است ارتباط نزدیک ظهور خلاقیت با موقعیت خانوادگی است. متخصصان معتقدند که میزان خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط مناسب خانوادگی افزایش داد. منظور از عوامل خانوادگی تأثیر روش‌ها، عقاید، برخوردها و الگوهای ارتباطی اطرافیان بر حالت های شناختی، عاطفی، انگیزشی و رفتاری فرد خلاق است (پیرخائفی، ۱۳۸۷؛ داوسون^۹، ۲۰۰۹؛ کناپ^{۱۰}، ۲۰۰۳).

میرکمالی (۱۳۸۸) در پژوهشی که به منظور شناسایی عوامل موثر بر خلاقیت کودکان دبستانی انجام شده بود، مولفه‌های اثرگذار بر خلاقیت را الویت بندی کرد که بر طبق آن، آموزش خلاقیت و محتوا الویت اول و فرهنگ و روابط اجتماعی حاکم بر خانواده الویت دوم پرورش خلاقیت در کودکان است.

1- Butey

2-Eric

3-Rovan

4-Farenham

5-PerKel

6-Haris

7-Bachitar

8-Amabil

9-Dawson

10-Kenap

آنچه از برآیند مطالعات مربوط به خلاقیت کودکان و خانواده به دست می آید نشان دهنده ی اثر گذاری شاخصه های بسیاری از مجموعه ی خانواده بر خلاقیت است. از جمله: محیط پاسخ ده و محرک (روان، ۲۰۰۳)، احترام زیاد، آزادی عمل برای کشف جهان اطراف، آزادی برای تصمیم گیری، استقلال عمل، نبود وابستگی زیاد بین کودک و والدین، نگران نبودن والدین به خاطر کودک (ایگان^۱، ۲۰۰۵)، موقعیت خانواده، رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علایق آن ها و نحوه تعامل آن ها با کودک (روان، ۲۰۰۵)، ایجاد محدودیت برای کودک در محیط خانواده، امکانات محیطی و آموزشی، سبک های تربیتی (لطیفیان، ۱۳۸۵)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، تحصیلات والدین، مرزهای طبیعی در خانواده (نوری و معرفاوی، ۱۳۸۲)، موقعیت اجتماعی، نگرش والدین به خلاقیت، قوانین و مقررات حاکم بر خانواده (سبک نظم و انضباط والدین)، نگرانی و پاسخده بودن بیش از حد والدین، روابط خانوادگی بین افراد و توجه به توانایی های کودک (میر کمالی، ۱۳۸۸).

رایت و رایت (۱۹۹۰) یک مدل سه جانبه از محیط خانواده خلاق ارائه دادند که در آن سه جزء اصلی خانواده ی خلاق تبیین شده است. جزء اول احترام به کودک، جزء دوم تحریک استقلال و جزء سوم غنی سازی محیط یادگیری (کمپل^۲ و نیسنبرگ^۳، ۲۰۰۰). آن ها یک محیط خانوادگی عاطفی و گرم و دارای آزادی، سبک های ارتباطی موثر، اولیاء پاسخده، ادراک مثبت پدر و مادر از خلاقیت کودک و حمایت وال دین را از خلاقیت بسیار اثرمند می دانند (کناپ، ۲۰۰۳).

از مهمترین مباحث مورد بررسی در رشد خلاقیت کودک آموزش روابط والدین و کودک است. استفاده از تعاملات والد-کودک می تواند برای یادگیری خلاقیت لذت بخش و هیجان انگیز باشد به دلیل رابطه ی دوجانبه ای که از ارتباط بین نگرش والدین به خلاقیت و مشاهده ی آن در کودک ایجاد می شود (گلاوینو، ۲۰۱۱).

بلسکی (۱۹۸۴) درزمینه ی والدگری فرآیندهای دوسویه در رابطه والد-کودک را مطرح می کند و معتقد است که خصوصیات والد و کودک هر دو بر رابطه پویای تعاملی این دو تاثیر دارند. اما والدین نقش بیشتری را در طی سال های کودکی در این رابطه بازی می کنند (ابارشی، ۱۳۸۸).

والدین و به ویژه مادران به عنوان افرادی که از نظر کمی و کیفی بیشترین تماس را با کودک دارند، در رشد شناختی و در پرورش خلاقیت در کودکان اثر گذارند. همچنان که در مفاد برخی دیدگا ه ها از جمله نظریات

^۱- Egan

^۲- Kampel

^۳- Nisenberg

ویگوتسکی مطرح می‌شود، مادران در صورت دریافت آموزش، می‌توانند در اکتشاف کمکی و در یادگیری یاری بخش کودک را همراهی نموده و از این طریق به پرورش و گسترش خلاقیت در کودک بپردازند (برک، ۱۳۸۷).

یک رابطه‌ی والد - فرزندی صحیح به منظور پرورش خلاقیت، ناشی است از حس مراقبت و پاسخدهی به نیازهای کودک به منظور تسهیل محیطی که در آن رفتارهای مستقل، واکنش‌های غیرمتعارف، کنجکاوانه، منحصر به فرد، مبتکرانه و مبتنی بر تخیل کودک توسط والد ارزشمند تلقی شود و نگرش مثبت به خلاقیت داشته باشند. در صورت حمایت ملایم والدین، کودک احساس آرامش روانی و شایستگی می‌کند و والدین بر روند خلاقیت اثر می‌گذارند (لیم^۱ و اسمیت^۲، ۲۰۰۸).

رابطه‌ی مادر-کودک و کیفیت آن و میزان تلاش مادر برای بهبود رشد همه جانبه‌ی کودک از طریق رفتارهایی قابل مشاهده است که عمدتاً تحت تاثیر عوامل واسطه‌ای همچون باورها و شناخت ه‌اقرار دارند، یکی از مهمترین باوره‌ای تاثیرگذار بر نحوه و کیفیت رابطه مادر و کودک باور خودکارآمدی والدگری^۳ است که در نتیجه‌ی آموزش به والدین تغییر می‌کند (ابارشی، ۱۳۸۸).

اصطلاح خودکارآمدی اولین بار توسط بندورا^۴ تعریف شد. خودکارآمدی ادراک شده توسط یک فرد، به باور آن فرد در توانایی‌های خود در تکلیفی که به او واگذار شده، تعریف می‌شود و می‌تواند بر زندگی آن فرد تاثیرگذار باشد. سازه‌ی خودکارآمدی یک صفت شخصیتی فراگیر نیست بلکه خاص یک موقعیت است، چند سال بعد از تعریف خودکارآمدی، خودکارآمدی والدگری بر پایه‌ی مدل خودکارآمدی بندورا تعریف شد (لاکاریت^۵، ۲۰۰۵؛ به نقل از طالعی، ۱۳۸۸).

خودکارآمدی در شروع یک رفتار، مقدار تلاش، استقامت و پشتکار فرد نقشی تعیین کننده دارد. خودکارآمدی والدگری یکی از مولفه‌های رابطه‌ی والدین و فرزندان است. بدین معنا که والدین بجهت میزان در توانایی‌شان جهت به دست گرفتن همه‌ی جنبه‌های پرورش کودک احساس کارآمدی می‌کنند (کولمن و کاراگر، ۲۰۰۰).

تصویر مادر از روابط اولیه با کودک، حمایت اجتماعی، تحصیلات و جنسیت از عوامل اصلی موثر بر خودکارآمدی والدگری هستند که در این میان تصویر مادر از روابط تعاملی اولیه با کودک را می‌توان اولین منبع

1- Lim

2- Esmi

3- parenting self-efficacy

4- Bandura

5- Lacarit

اطلاعات مربوط به شایستگی دانست که تاثیر قابل توجهی بر تصورات والدین از توانایی های خودشان دارد (طهماسیان، ۱۳۸۹).

بر اساس پژوهش ها، خودکارآمدی والدگری شیوه ی انضباطی مادر، باور مادر در مورد روش های والدگری و حساسیت و پاسخگویی را در مادر پیش بینی می کند. بر نحوه ی تعامل مادر- کودک نیز اثر دارد، مادرانی که در نقش والدگری خود احساس کارآمدی می کنند، روابطی گرم و منظم با کودکان خود دارند و جهت گیری مقابله ای فعالی را نشان می دهند که منجر به شکل گیری روابط والد-فرزندی سالم می شود. بر عکس مادرانی که احساس ناکارآمدی می کنند در رابطه ی خود با کودکان شان دچار مشکل هستند و توانایی پرورش همه جانبه ی کودک را در خود نمی بینند (تتی^۱ و گلفاند^۲، ۱۹۹۷، به نقل از کولمن و کاراکر، ۲۰۰۳).

همچنین خودکارآمدی والدگری اطاعت و پذیرش کودک، شوق و اشتیاق، عاطفه و به صورت منفی اجتناب و منفی نگری کودک را نیز پیش بینی می کند و در تبیین رشد اجتماعی، حرکتی، هوشی و سازگاری کودکان در سال های اولیه زندگی نیز عامل مهمی است یعنی خودکارآمدی بالا در مادر احتمال موفقیت کودکان را در حوزه های آموزشگاهی افزایش می دهد و تاثیر مستقیمی بر موفقیت کودکان از طریق مدل سازی آن ها با نگرش ها و باورهای والدین دارد (کوترونزو^۳، ۲۰۰۶؛ تورنزو، ۲۰۰۶).

همان طور که بیان شد خودکارآمدی والدگری هم به طور مستقیم و هم از طریق اثرگذاری بر روش های والدگری در رشد کودک دخیل است، لذا تلاش برای بهبود این سازه در مادر کمک زیادی به رشد کودک می کند. یکی از روش های ارتقاء این سازه در مادر آموزش است، آموزشی که در مادر احساس شایستگی را تقویت کند بر طبق اصول اساسی نظریه ی خودکارآمدی، باورهای خودکارآمدی والدگری بایستی سطح دانش مربوط به رفتارهای پرورش کودک و میزان شایستگی در توانایی شخصی را در جهت انجام نقش ویژه والدگری با هم یکی سازد. لذا افزایش دانش والدگری باید توأم با تعاملات موثر والد و کودک باشد. از این روست که عمده ی پژوهش ها برای افزایش این سازه ی شناختی در مادر، پژوهش هایی است که درصدد ایجاد بستری مناسب برای اصلاح و یا ایجاد تعاملات والد - فرزندی مثبت و خوشایند در مادر و کودک هستند. البته تغییرات این سازه در بستر آموزش خلاقیت مادر- کودک و تاثیرات ناشی از آن بر خودکارآمدی والدگری مورد بررسی قرار نگرفته است.

1- Teti

2- Golfand

3- Cotrunzo

تامل در منابع و گزارش‌های پژوهشی نشان می‌دهد، هر چند آموزش خلاقیت از شواهد کافی و مناسبی در خارج از کشور برخوردار است اما این موضوع در داخل برای کودکان پیش دبستانی و به ویژه پژوهش کاربردی در زمینه‌ی آموزش مادر-کودک کودکان پیش دبستانی از سوابق نظری و پژوهشی کافی برخوردار نیست. از آنجا که والدین نقش تعیین کننده‌ای در رشد شناختی و هیجانی کودک ایفا می‌نمایند، لذا انتظار می‌رود آموزش والدین در زمینه‌ی خلاقیت، نه تنها به زمینه‌سازی برای گسترش خلاقیت در کودکان کمک نماید، بلکه بر غنی شدن روابط والد-کودک و تجربه‌ی خودکارآمدی مادر در بستر فعالیت‌های خلاق نیز موثر باشد.

بنابراین پژوهشگر علاقمند است تاثیر ارائه‌ی فعالیت‌های پرورش دهنده خلاقیت برای مادران و کودکان را بر خلاقیت کودکان و خودکارآمدی مادران مورد بررسی قرار دهد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

خلاقیت یکی از بسترهای رشد است که نیازمند سرمایه‌گذاری است. به نظر تورنس قوه خلاقه‌ی کودک در طول سال‌های پیش دبستانی و قبل از شروع تحصیلات رسمی در سطح بالائی است و نیازمند توجه خاص خانواده بالاخص مادر که زمان بیشتری را با فرزند می‌گذراند است (کمپل و نیسنپگ، ۲۰۰۰).

بر اساس شواهد به دست آمده پرورش خلاقیت در دوران پیش دبستانی باعث موفقیت تحصیلی، سازگاری و توانایی حل مسئله و شکل‌گیری خودپنداره‌ی مثبت در کودکان می‌شود که از الزامات ورود به تحصیلات رسمی است. کودکانی که توانایی تفکر خلاق ندارند دچار مشکلاتی اعم از نداشتن ایده جدید و عدم توانایی نگاهی عمیق به مفاهیم و زوایای متفاوت هستند. خلاقیت بر توانایی تنظیم یا سازگاری بالاخص در طول موقعیت‌های متعارض که نیاز به تعدیل سطح عاطفی با استفاده از مهارت‌های شناختی دارد، موثر است (نیک و باتچر، ۲۰۰۵).

چرخه‌ی عینی شدن شخصیت در کودکان پیش دبستانی در بستر فرهنگی و تربیتی خانواده و شرایط و تحولات جسمانی به واقعیت در می‌آید. کودکان تحت تاثیر آموزش‌های والدین، انتظارات، امکانات خانوادگی و الگوهای فرهنگی و تربیتی خاص خانواده خود قرار دارند. اثر عمیق خانواده بر توسعه‌ی خلاقیت است که لزوم انجام پژوهش‌های عملیاتی پرورش خلاقیت کودک توسط مادر را روشن می‌کند. پرورش خلاقیت از طریق شناخت خود سازه، موانع شکل‌گیری آن، شیوه صحیح والدگری، شناسایی نمودهای خلاقیت در کودکان و ... به والدین و همین‌طور انجام کارگاهی بعضی از بازی‌های خلاق با کودک باعث می‌شود که از کارآمدترین نیرو در تربیت کودک استفاده

شود و به طور واسطه ای متغیرهای شناختی مثل خودکارآمدی والدگری را در مادر که اثرگذار بر سایر بخش های تربیت کودک است تحت تاثیر قرار دهد. از این رو در این مطالعه سعی بر آن است با ارائه آموزش خلاقیت مادر-کودک در سنین قبل از ورود به مدرسه، کودک را برای مواجهه با مسائل شناختی و اجتماعی که بعدها هویت و عزت نفس تحصیلی او را شکل می دهد، آماده سازد.

یافته های احتمالی پژوهش، والدین را جهت دقت در آموزش و رشد این دوره سنی هدایت نموده و آموزش خلاقیت در سنین پایین را جدی تر و عملیاتی تر خواهد کرد. برنامه ریزان نیز به اهمیت آموزش خلاقیت پیش دبستانی در شکل گیری موفقیت های تحصیلی پی برده و جهت انتقال آموزش های لازم به کودک دقت بیشتری مبذول خواهند داشت.

به نظر می رسد، پژوهش حاضر اطلاعات بیشتری را در مورد مدل های خلاقیت در خانواده و فرزندپروری خلاق و تعاملات مادر-کودک فراهم می آورد.

۱-۳- اهداف پژوهش

بررسی اثربخشی برنامه ی آموزش خلاقیت مادر-کودک بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی

بررسی اثربخشی برنامه ی آموزش خلاقیت مادر-کودک بر خودکارآمدی والدگری مادران

۱-۴- فرضیه های پژوهش

آموزش خلاقیت مادر-کودک موجب بهبود خلاقیت کودکان پیش دبستانی می شود.

آموزش خلاقیت مادر-کودک موجب بهبود خودکارآمدی والدگری مادران می شود.

۱-۵- تعریف مفهومی

خلاقیت: از خلاقیت تعاریف متعددی ارائه شده است که کار انتخاب تعریف را مشکل می‌کند.

خلاقیت فرآیندی روانی است که به حل کردن، ایده پروری، مفهوم سازی، ارائه اشکال هنری و علمی یا تولیدات صنعتی منجر می‌شود (پیرخائفی، ۱۳۸۷).

تورنس خلاقیت را انعطاف پذیری در تفکر، سرشار از ایده بودن، توانایی کنار آمدن با ایده های جدید و بکر و کشف ارتباط تازه بین چیزهای موجود می‌داند (۱۹۸۰، به نقل از دولاما و همکاران، ۲۰۱۰).

خودکارآمدی والدگری: اشاره به باورها یا قضاوت های یک والد از توانمندی هایش جهت نظم دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به والدگری با کودک دارد (مانتیگنی و لاکاریت، ۲۰۰۵).

۱-۶- تعریف عملیاتی

خلاقیت: در این پژوهش، منظور از خلاقیت، نمره ی آزمودنی در آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت (TCAM)^۱ تورنس است.

برنامه ی آموزش خلاقیت: در پژوهش حاضر برنامه ی آموزش خلاقیت در برگیرنده ی یک برنامه ی آموزشی شامل ۱۰ جلسه ی آموزش است که هر جلسه ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه بود. این برنامه شامل دو واحد کار آموزش به مادر و آموزش مادر- کودک است. فرد آموزش دهنده در نقش تسهیل گر ارتباط مادر و کودک عمل می کند و مباحث طراحی شده را به مادران آموزش می دهد. این برنامه آموزش خلاقیت براساس مطالعه منابع نظری و کاربردی و با توجه به تجارب استاد راهنما تدوین گردید.

خودکارآمدی والدگری: در این پژوهش، من طور از خودکارآمدی والدگری، نمره ی مادر در مقیاس خودکارآمدی والدگری (PSAM)^۲ است.

^۱-Tinking Creativity in Action and Movment

^۲-Parental Self Agency Measure

فصل دوم

پیشینه پژوهش

در فصل حاضر، ابتدا پیشینه نظری مربوط به موضوع پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این معنی که در آغاز، مباحث نظری مرتبط با خلاقیت و خودکارآمدی ارائه می‌شود و سپس یافته‌های پژوهشی مرتبط مورد بررسی و تدقیق واقع می‌شود.

۲-۱- خلاقیت

خلاقیت یک منبع مهم سازگاری است که منجر به پیشرفت‌های هنری و تکنولوژیکی می‌شود. توانایی مهمی که برای زندگی فردی و اجتماعی انسان ضروری است (نیک^۱ و باتچر^۲، ۲۰۰۵).

خلاقیت، توانایی بدیعی برای حل تناقضات، در قالب یک ایده است که خارج از محدوده جواب موجود قرار می‌گیرد و یکی از اساسی‌ترین توانایی‌های شناختی بشر است. آدمی ذاتاً خلاق متولد می‌شود با این حال خلاقیت در مراحل ابتدایی زندگی تکامل یافته و پیشرفته نیست و به همین دلیل نیازمند به توجه و هدایت است. نخستین جایگاه خلاقیت دوران کودکی است و این لزوم فراگیری خلاقیت را در کودکی روشن می‌کند (راجرز، ۱۹۷۷؛ نقل از پیرخائفی، ۱۳۸۷).

روانشناسان در مورد خلاقیت دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند و هر یک تعریف خاص خود را ابراز نموده‌اند. لذا مرور مختصری از تعاریف ارائه شده توسط صاحب نظران نمای مناسبی از سازه خلاقیت در بستر روانشناسی را نشان دهد. مورن^۳ خلاقیت را جزء جدایی‌ناپذیر تفکر می‌داند و معتقد است بنیان تفکر کشف است که عبارت است از دیدن آنچه همه دیده‌اند و فکر کردن آن طور که هیچ کس فکر نکرده است (معدن دار و کاکیا، ۱۳۸۷). در حالی که تورنس (۱۹۸۰) خلاقیت را انعطاف‌پذیری در تفکر، سرشار از ایده بودن، توانایی کنار آمدن با ایده‌های جدید و بکر و کشف ارتباط تازه بین چیزهای موجود می‌داند.

حال آن که گیلفورد^۴ (۱۹۵۰) معتقد است که خلاقیت بعدی فراشناختی دارد و با فرآیندهای عالی ذهنی نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات ارتباط دارد. عده‌ای دیگر نظیر هرینگتون^۵ (۱۹۹۰) و تورنس معتقدند که خلاقیت یک اثر شخصی است. یعنی به عواملی نظیر انگیزش، هیجان، عواطف و احساسات، تجربه‌ها و یادگیری‌های شخصی وابسته است. گروهی هم مانند استرنبرگ (۱۹۹۳) و مایهالی^۶ (۱۹۹۶) معتقدند که خلاقیت پدیده‌ای چند

^۱-Niec

^۲- Butcher

^۳- Moren

^۴- Gilford

^۵- Herington

^۶- Maihali